خبرها

توفیقی: رسالت تشکل‌های دانشجویی نقد نظام است

ایسنا: جعفر توفیقی وزیر سابق علوم با بیان اینکه «مهمترین نقش تشکل‌های دانشجویی، تحلیل و درک دقیق از مسائل سیاسی کشور است» گفت: مسائل مختلفی در جریان های دانشجویی قابل مشاهده است، شاید مهمترین گفتمانی که وجود دارد و دانشجویان به سمت آن حرکت می کنند، نقد در زمینه عملکرد نظام است. وی ادامه داد: تجربه چندساله گذشته نشان می دهد که دانشجویان درگیر مسائل درون‌سازمانی خود بودند ولی باید به تدریج از این مسیر خارج شده، هویت‌های مستقل خود را بازیابی کرده و بیشتر به رسالت اصلی خود که نقد عملکرد نظام و تشخیص نقاط قوت و ضعف آن است بپردازند که بیشتر با روش‌ها و معادلات سیاسی و نقد و تجزیه و تحلیل ممکن است.

پیگیری بسیج دانشجویی برای استعفای الهام از شورای نگهبان

ایسنا: «علی صمدزاده» معاون سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی با اعلام اینکه حدود یک ماه پیش تشکل متبوعش طی نامه‌ای به دکتر غلامحسین الهام ـ سخنگوی دولت و عضو شورای نگهبان ـ خواستار استعفای وی از عضویت در شورای نگهبان شده بود، گفت: «با آقای دکتر الهام در ارتباط بودیم، ایشان به طور ضمنی به نامه‌ای که در مورد لزوم استعفایشان از عضویت در شورای نگهبان به ایشان نوشته بودیم اشاره کردند که مشخص شد نامه را خوانده‌اند اما جواب خاصی به آن ندادند.» وی افزود: دوستان ما در دانشکده علوم پزشکی تهران در حال پیگیری این مسئله هستند و هنوز جواب خاصی نگرفته‌اند.

تجمع جنبش عدالتخواه دانشجویی مقابل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی

ایلنا: جنبش عدالتخواه دانشجویی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که در اعتراض به تصمیم مسئولان سیاست خارجی کشور در مذاکره با آمریکا بر سر موضوع عراق، راس ساعت ۱۳ روز شنبه، نوزدهم فروردین ماه در مقابل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تجمع می‌کنند. در این بیانیه آمده است: چندی است مسئله مذاکره با آمریکا از طرف مسئولان سیاست خارجی کشور در رسانه‌های گروهی مطرح شده است و روز گذشته نیز به رغم آنکه تلقی عمومی از سخنان رهبر معظم انقلاب در این رابطه عدم انجام مذاکراتی بود که طرف مقابل آن هنوز ارباب گونه و تحقیرآمیز با ما برخورد می‌کند، در کمال ناباوری مسئله قرار قطعی برای انجام مذاکرات به میان آمد. از این گذشته این سخنان در شرایطی مطرح می‌شود که هدف از طرح این مسئله حداکثر تفهیم اتهام غاصبان و اشغالگران عراق آن هم از موضع قدرت و عزت بود و نه گفت‌وگو با لحنی دوستانه یا محترمانه که متاسفانه در سخنان برخی افراد دیده شد. در ادامه این بیانیه آمده است: جنبش عدالتخواه دانشجویی که در بیانیه قبلی خود خواستار توضیح مسئولان مربوطه شده بود، اینک نیز خود را با طرح عادی این مسئله و عدم توضیح و شفاف‌سازی آن مواجه می‌بیند و از آنجا که شرایط فعلی را به هیچ وجه براساس ملاک رابطه گرگ و میش به صلاح کشور و انقلاب نمی‌داند، برای اعتراض به کوتاهی‌ها و مواضع مسئولان مربوطه و قطع فوری روند رسیدن به میز مذاکره با شیطان بزرگ روز شنبه، نوزدهم فروردین ماه ساعت ۱۳ در مقابل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تجمع خواهد کرد.

تلاش تحکیم برای برگزاری نشست دبیران سیاسی

ایسنا: حامد ایرانشاهی دبیر سیاسی دفتر تحکیم وحدت اظهار داشت که برای برگزاری نشست دبیران سیاسی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اواسط اردیبهشت ماه تلاش می‌کنیم. وی با این توضیح گفت: ما درصدد احقاق حق برگزاری نشست‌های خود هستیم ولی پیش از این دانشگاه اراک با برگزاری نشست دبیران سیاسی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در این دانشگاه مخالفت کرده بود.

سلامتی: مذاکره نکردن با آمریکا به نفع انگلیس است

ایسنا: محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران تصریح کرد: مذاکره و عدم مذاکره با آمریکا جنبه ایدئولوژیک ندارد که برخی به‌آن چنین جنبه‌ای داده‌اند. وی با این توضیح گفت: هر اقدامی که منافع ملی و امنیت ملی کشور را تامین کند پسندیده است. در شرایط فعلی از آنجا که آمریکا قدرت مهمی در کشورهای همسایه ایران از جمله عراق و افغانستان به‌شمار می‌آید و در کشورهای حوزه خلیج فارس نیز حضور نظامی دارد ما باید در بحث و مذاکره با این کشور به منافع ملی توجه داشته باشیم. دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران افزود: گاهی مذاکره با آمریکا تاثیر سرنوشت‌سازی بر کشورهای همسایه ایران از جمله عراق و افغانستان دارد که برای منافع و امنیت ملی ما نیز مهم است. بر این اساس در شرایط فعلی مذاکره با آمریکا اشکالی ندارد زیرا پیگیری منافع ملی ایران که تحت‌تاثیر حرکت‌های ماجراجویانه آمریکا قرار گرفته در سایه عدم تعامل با آمریکا موجب سوء استفاده کشورهایی نظیر انگلستان شده است.

توضیح انصار حزب‌الله

شرق: در پی درج خبری در روزنامه شرق به نقل از سایت آفتاب روابط عمومی انصار حزب‌الله جوابیه‌ای را به شرق ارسال کرده است که متن آن را می‌خوانید: «پیرو درج خبری با عنوان «شرایط عضویت در انصار حزب‌الله» در پایگاه اطلاع‌رسانی متبوع به اطلاع می‌رساند انصار حزب‌الله هیچ‌گونه اطلاعیه جدیدی مبنی بر چگونگی عضویت در این تشکل صادر نکرده و خبر درج شده در آن پایگاه برگرفته از مطلبی است تحت عنوان انصار حزب‌الله در یک نگاه که قریب به چهار سال در پایگاه خبری انصار حزب‌الله وجود داشته است.»

تسلیت به مناسبت زمین‌لرزه

شرق: جبهه ملی ایران اطلاعیه‌ای را درباره زمین‌لرزه لرستان صادر کرد و تلفات جانی این حادثه را به مردم ایران تسلیت گفت. در این بیانیه آمده است: جبهه ملی ایران در حالی که تاثر عمیق خود را از این رویداد تلخ ابراز و همدردی خود را با هم‌میهنان داغدیده، مال‌باخته و بی‌خانمان شده در لرستان اعلام می‌دارد، بی‌توجهی نسبت به اقدامات پیشگیرانه و ایمن‌سازی در برابر بلایای طبیعی را عامل اینگونه فاجعه‌ها دانسته، از دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول، می‌خواهد که هر چه سریع‌تر و با کارایی بیشتر به یاری هم‌میهنان آسیب‌دیده بشتابند و بکوشند تا نابسامانی‌های کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان زمین‌لرزه بم در اینجا تکرار نشود.

عکس: عباس کدخدایی، شرق

گفت‌وگو با علی‌اکبر ناطق نوری

از کار تشکیلاتی کنار کشیدم

به گام چهارم کاری ندارم ■ در خبرگان کاندیدا نمی‌شوم

اکبر منتجبی

■ از منظر ایدئولوژیک یا اجرایی؟

هر دو.

■ بسیاری عنوان می کنند که دولت جدید آمده است که زمینه‌های ظهور آقا امام‌زمان را فراهم کند. بسیاری انتقاد می کنند برخی هم آن را می‌پسندند. در جامعه و محافل سیاسی این نظرات به وفور دیده می‌شود. برخی موافق و برخی مخالف این سیاست‌ها هستند...

من که از خود ایشان این را نشنیدم.

■ برخی رفتارها این شائبه‌ها را پیش کشیده است. مثلاً بودجه ۲۰ میلیاردی به مسجد جمکران و بعضی از سخنان که از مدیران دولتی نقل می‌شود. یا مثلاً برخی مخالفان دولت، یک‌مرتبه از اختصاص بودجه دولت برای قدمگاه آقا سخن گفتند.

این جعل است.

■ اصلاً شما خودتان این موضوع را پیگیری کردید؟

بله. من از هرکس سئوال کردم که چه کسی این حرف را زده، به یک نفر دیگر اشاره کردند. گفتند که فلانی گفته. از او پرسیدم، او گفت از کس دیگر شنیده. بخش زیادی از این قضایا، جوسازی است. حتی از خود آقای احمدی‌نژاد یا اطرافیان ایشان سئوال شد که رد کردند. از ایشان نقل شده که گفته است آقا امام زمان قرار است یک‌سال دیگر ظهور کنند. از ایشان سئوال شده که رد کردند. اصلاً به لحاظ دینی و مذهبی گفتن این نوع سخنان گناه و اشتباه است. روایات غیر از این است. برخی مخصوصاً به این نوع مسائل دامن می‌زنند. این چیزها انحرافی است و لطمه می‌زند. وگرنه مسئله امام زمان کاملاً مشخص است. کارشناس این مسئله نیز رئیس جمهور و آقای احمدی‌نژاد نیست. من و حسن و حسین هم نیستیم. روایات و نامه‌های خود حضرت مهدی(عج) وجود دارد. در غیبت کبری به سر می‌برند و ظهور او نیز معین نیست فقط خدا می‌داند و بس. حتی طبق روایات خود امام زمان نیز می‌گویند ظهورشان معین نیست الا به اذن الله تعالی. هیچ‌کس نمی‌داند. از ایشان روایت داریم کسانی که وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند. در نامه ایشان آمده، بعضی ادعای زیارت مرا می‌کنند، هرکس ادعای دیدار مرا کرد، بدانید دروغگو است. کسانی که خدمت حضرت شرفیاب می‌شوند، اصلاً ادعا نمی‌کنند. دیگران با قرائن و عمدتاً بعد از مرگ این افراد متوجه می‌شوند. این اعتقاد ما است و مورد اتفاق همه نیز هست. بخشی از این مسائل نیز که مطرح می‌شود، شایعه است.

■ در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، شما از آن به‌عنوان «گام سوم» یاد کردید. آیا گام چهارمی در پیش است؟

من چون از کار تشکیلاتی کنار کشیدم دیگر به گام چهارم کاری ندارم.

■ یعنی قرار نیست برای انتخابات خبرگان فعالیتی انجام شود؟

من کاری ندارم. خبر هم ندارم.

■ یعنی خود شما به صورت انفرادی هم در خبرگان شرکت نمی‌کنید؟

در انتخابات نه، شرکت نمی‌کنم.

■ به‌عنوان کار سیاسی چطور؟

به‌عنوان یک فرد سیاسی، خب عضو جامعه روحانیت هستم، نظرم را فقط ارائه می‌کنم اما کاری ندارم که تشکیلات دیگر چه می‌کند. محکم می‌گویم همه بدانند که من دیگر نه کار تشکیلاتی می‌کنم و نه در انتخابات خبرگان فعالیتی خواهم داشت.

■ اما قطعاً در جریان برخی فعالیت‌ها هستید. مثلاً گفته می‌شود که سه گروه در انتخابات خبرگان فعال هستند. طیف اصلاح‌طلبان، طیف جناب مصباح‌یزدی و طیف آقای هاشمی‌رفسنجانی. شما این تقسیم‌بندی را قبول دارید؟

نه. من این تقسیم‌بندی را قبول ندارم. یک گروه اصلاح‌طلبان هستند که مشغول کار هستند. اما آقای مصباح را به‌عنوان یک گروه خاص و یا آقای هاشمی به‌عنوان یک گروه سوم، قبول ندارم. خیلی سعی کردم خبری بگیرم. ناخن هم زدم اما چیزی گیر نیاوردم. با توجه به نگاه و تحلیلی که دارم، می‌دانم این‌گونه نیست.

■ یعنی آقای مصباح هیچ فعالیتی برای خبرگان ندارد؟

ممکن است فعالیت داشته باشد، که دارد. اما به‌عنوان یک جریان نه. حتی آقای هاشمی و اطرافیانش نیز به‌عنوان یک جریان فعال نیستند. من این‌گونه نگاه نمی‌کنم و این دسته‌بندی‌ها را قبول ندارم.

■ تقسیم‌بندی شما چیست؟

من قائل هستم که همچنان دو قطب داریم. اصلاح‌طلب و اصولگرا.

■ صحبت‌های آخر آقای مصباح را شنیدید درباره مقبولیت و مشروعیت نظام؟ یا اطرافیان ایشان که می‌گفتند امام قائل به جمهوریت نبوده؟ نظرتان در این باره چیست؟

به گونه‌ای که مطرح شد نپسندیدم. به نظر من نظام باید هم مقبولیت داشته باشد و هم مشروعیت. نمی‌توان گفت یکی را دارد یکی را ندارد. مقبولیت و مشروعیت دو اصل جدا نشدنی هستند. تجزیه شدنی نیستند. هر دو رکن نظام هستند. نظام ما «جمهوری اسلامی» است که هم مشروعیت در آن است، هم مقبولیت امام نیز فرمود «حکومت جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیش» یعنی بر هر دو به یک اندازه تاکید کرد. اصلاً آرمان‌های دینی و اسلامی ما محقق نمی‌شود مگر با رای مردم. در یک زمانی بحث بود که حکومت فقط جمهوری باشد اما نه امام قبول کرد نه مردم. برعکس آن نیز هست. اگر حکومت فقط حکومت خدا و دین و پیغمبر باشد و مردم آن را نخواهند که حکومت نیست. اصلاً این حکومت محقق نمی‌شود. حق هست اما محقق نمی‌شود. امیرالمومنین «حق» بود، اما ۲۵ سال حکومت محقق نشد. خود حضرت امیر در نهج‌البلاغه در خطبه سوم می‌فرماید که اگر مردم نمی‌خواستند، من نمی‌آمدم. تاکید کردند که اگر مردم نمی‌خواستند، من ریسمان خلافت را می‌انداختم به دوش شتر خلافت تا هر کجا که بخواهد، برود. پس در سیره ائمه و انبیا نیز می‌بینیم که به نظر مردم توجه شده و مشروعیت و مقبولیت در یکدیگر تنیده شده است. جدای از هم نیستند.

■ پس شما بحث‌هایی را که اخیراً مطرح شد، رد می‌کنید؟

کاملاً. این بحث‌ها انحرافی است. مگر چه حادثه و خطری نظام را تهدید می‌کند که این بحث‌ها مطرح شده است؟ از هر دو طرف غلط می‌دانم. واقعاً در این مدت در این فکر بودم چه حادثه‌ای رخ داده که برخی گفتند مقبولیت اصل است و برخی دیگر مشروعیت را اصل دانستند.

■ گویا در یکی از سخنرانی‌های آقای مصباح این‌گونه مطرح شد...

می‌دانم. من می‌خواهم بگویم که غلط است این سخن‌ها، زیرا ما قانون اساسی داریم و هیچ‌کس نمی‌تواند فراتر از قانون اساسی حرف بزند. در قانون هر دو را ما داریم. مگر می‌توانیم فراتر از رای مردم که بیش از ۹۸ درصد بود حرف بزنیم؟ مردم به «جمهوری اسلامی» رای دادند. هر بحثی جز این، بحثی انحرافی است که به نظر من به کشور ضربه می‌زند.

■ به‌عنوان حسن‌ختام، می‌خواستم درخصوص مسائل هسته‌ای کشور نظرات جنابعالی را جویا شوم. وضعیت چندان خوشایند نیست. چرا؟ آیا ما ضعیف عمل کردیم، تیم فعلی هسته‌ای ضعیف است؟ تیم گذشته راه ضعف را باز گذاشته بود؟ علت چیست؟

کار من این نیست کسی را که کنار رفته به نقد بکشم. این با روحیه من منافات دارد. تیم گذشته، در آن شرایط به وظیفه خودش عمل کرد. احساس می‌کرد حق چنین است و باید این‌گونه عمل کرد و عمل هم کردند. به هر حال به وظیفه خودشان عمل کردند. اما گروه بعدی که آمد، اگر قوی‌تر از آنها عمل نکرده، حتماً ضعیف‌تر نیز عمل نکرده است.

■ به چه علت این را می‌گویید؟

علتش این است که قبلاً اروپایی‌ها آمدند و گفتند که ما اعتماد نداریم باید اعتمادسازی کنید. واقعاً سئوال اینجا است که ما چگونه باید اعتمادسازی کنیم؟ این مرز اعتمادسازی کجا است؟ گروه و تیم ما از ابتدا نباید «الف» را می‌گفت، وقتی گفتی تا «ی» باید بروی. واقعاً مرز اعتمادسازی چیست؟ هرچه شما گفتید من باید بگویم چشم؟ مرزی که ندارد. می‌توانید بگویید نه این «چشم» که می‌گویید، یک تاکتیک است، پس من باید چه‌کار کنم. خانه را دو دستی تقدیم کنم، خوب است؟ اروپایی‌ها زرنگی کردند و گفتند که باید اعتمادسازی کنید. ما هم حسن‌نیت نشان دادیم و عقب‌نشینی کردیم. هر جا را که خواستند تعطیل کردیم، پروتکل الحاقی را به‌رغم آنکه مجلس تائید نکرده بود، داوطلبانه پذیرفتیم و فعالیت‌ها را تعلیق کردیم. بالاخره تا کجا باید عقب بنشینیم؟ همه چیز تعطیل شد.

■ فکر می‌کنید گروه جدید قوی‌تر عمل کرده؟

بله. چون وقتی آمدند دیدند همه‌چیز و همه‌جا تعطیل است. پس محکم ایستادند. آقای لاریجانی قوی و صریح عمل کرد. وقتی صریح و قوی برخورد کنی، آنها می‌فهمند که تغییراتی رخ داده است و متناسب با ما حرکت می‌کنند.

■ اما همچنان بحث شورای امنیت مطرح است...

بله. این یک سر گاو است. آنها می‌خواهند با این شورای امنیت ما را بترسانند. از بس تکرار کردند، برخی از خود ما نیز باورمان شده و ترسیدیم. من به این انتقاد داشتم که خودمان نباید مصاحبه کنیم و بگوییم که اگر تعطیل نکنیم و فلان کار را بکنیم، ما را به شورای امنیت می‌برند. آنها دیدند که این نقطه ضعف ماست. خودمان ضعف نشان دادیم. اگر از اول می‌گفتیم که حرف ما قانونی است و کار شما غیرقانونی است و تمام کارها و وظایف قانونی را عمل کردیم، شما هم بیایید ببینید، اعتمادسازی هم کردیم و آنجایی را که می‌گویید اشتباه کردید، می‌پذیرفتیم که بله اشتباه کردیم که نگفتیم و حالا می‌گوییم، این اتفاقات امروزی رخ نمی‌داد. اگر این‌طور عمل می‌کردیم، و بعد آنها می‌گفتند که ما شما را به شورای امنیت می‌بریم، می‌گفتیم که خوب ببرید ما نمی‌ترسیم.

■ به هر حال الان مواضع اروپا و آمریکا یکی شده است و یک نظر، اما قبلاً این‌گونه نبود.

خیر. من معتقدم آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از ابتدا نگران این بودند که ما این تکنولوژی را داشته باشیم. اصلاً نمی‌خواستند که ما به این نقطه برسیم. شما توجه کنید به سخنان مسئول انرژی هسته‌ای روسیه. از ایشان سئوال شد که چرا شما و اروپایی‌ها نمی‌خواهید ایران خودش این سوخت هسته‌ای را تهیه کند؟ چرا مخالف هستید که ایران به این نقطه برسد؟ او در جواب گفت علتش این است که رسیدن به این سوخت با رسیدن به بمب خیلی نزدیک است. گفت فاصله اندکی دارد. به همین خاطر است که ما می‌بینیم دنیا هراس دارد. می‌گویند چون این فاصله اندک است، شما نباید از اساس این تکنولوژی را داشته باشید. بعد آقای بوش وقیحانه آمد و گفت فلان کشور و فلان کشور می‌توانند داشته باشند، اما ایران نباید داشته باشد. این حرف بوش حرف زور است. این حق ما است. ما عضو ان‌پی‌تی هستیم. آن روزی که قانون نوشتید و گفتید انرژی هسته‌ای حق همه است، مگر نمی‌دانستید که اگر تا این نقطه برسیم، فاصله اندک خواهد شد. مگر می‌شود قبول کرد که آن روز نمی‌دانستند و حالا فهمیدند که فاصله رسیدن به سوخت هسته‌ای تا رسیدن به بمب اندک است؟ ما می‌خواهیم به حق خودمان برسیم. به همین خاطر کوتاه نمی‌آییم.

■ اینکه «کوتاه نمی‌آییم» نظر نظام است. درست است؟

ببینید اگر ما در انرژی هسته‌ای کوتاه بیائیم و همه چیز را تعطیل کنیم، اینها از ما دست‌بردار نبوده و نخواهند بود. فردا بلافاصله تروریسم را مطرح می‌کنند. واقعاً چه تضمینی وجود دارد که تروریسم را مطرح نکنند؟ می‌گویند شما از فلسطینی‌ها دفاع می‌کنید، اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسید پس تروریست هستید. پس باید به شورای امنیت بروید.

■ فکر نمی‌کنید که به هر حال باید از رفتن به شورای امنیت پرهیز کنیم؟

عرض می‌کنم. امکان دارد حتی ما را به خاطر مسائل حقوق بشر به شورای امنیت ببرند. آیا ما باید از ترس شورای امنیت از اعتقاد و ایدئولوژی خودمان دست برداریم؟ یا باید بایستیم و این گردنه را به هر حال رد کنیم؟ من معتقدم حالا که قرار است از این گردنه عبور کنیم و آنها نیز به هر حیله‌ای ما را به آنجا خواهند کشاند، پس چه بهتر در یک مسئله‌ای وارد این چالش بشویم که پشتوانه ملی و مردمی را به دنبال دارد. الان ایرانی‌های خارج از کشور و حتی ساکنان لس‌آنجلس هم به اینکه ایران به دنبال انرژی هسته‌ای است، افتخار می‌کنند و از آن حمایت می‌کنند.

■ فکر می‌کنید این مرز حمایت تا کجا است؟

تا آخر اما باید با چندین ملاحظه این حق را پیش ببریم تا حمایت را همچنان پشت‌سر خودمان داشته باشیم.

■ این ملاحظه چیست؟

این است که باید بر اصول و حق خودمان بایستیم و عقب‌نشینی نکنیم.

■ این ایستادگی دارای چه شرایطی است؟

اول اینکه باید حمایت و اجماع مردم را حفظ کنیم. بعد روش‌های خودمان را در برخورد با کشورهای غربی منطقی‌تر کنیم. ما که از مذاکره نمی‌ترسیم. اگر لازم است، مذاکره کنیم.

■ اگر مذاکره به محاکمه تبدیل شد، چطور؟

نه دیگر. اصلاً نباید معنای مذاکره چنین باشد. نباید مذاکره به این سمت برود که آنها بگویند همه چیز را تعطیل کنید و بعد مذاکره را تا یوم‌القیامه ادامه دهید. این که روش منطقی نیست.

■ شرایط دیگری که مدنظر جنابعالی است، چیست؟

باید از اینکه علیه ایران یک اجماع بین‌المللی ایجاد شود، پرهیز و اجتناب کنیم. این کار هم عقل می‌خواهد و هم تدبیر.

■ تدبیر آن چیست؟

باید در صحنه‌های بین‌المللی اهرم‌هایی را جهت استیفای حق و حقوق خودمان پیدا کرده و از آنها استفاده کنیم و بعد با به‌کارگیری اصول حرفه‌ای دیپلماسی به سمت هدف خودمان پیش برویم. شرط دیگر استفاده از افراد با تدبیر و درایت در مذاکرات است. باید از انسان‌های پخته استفاده کنیم.

■ فکر می‌کنید الان در تیم مذاکره‌کننده این افراد وجود دارند؟

به طور نسبی بله. بعضاً برخی از آنها پخته هستند. اما لازم است که از تمام نیروها استفاده کنیم. هرچه این تیم تقویت شود به سود ما است. قصدم تخطئه تیم فعلی نیست. اما دیپلمات‌هایی هستند که بتوانند به این تیم کمک کنند. خب لازم است، همه نیروها جمع شوند. حتی تیم قبلی. از همه بخواهیم که بیایند و آنها را به کار بگیریم. مسئله دیگری که لازم است به کار بگیریم، استفاده از شیوه‌های تبلیغاتی صحیح در عرصه رسانه‌های جهانی است. نباید اجازه داد که آنها یکدفعه ما را با تبلیغات خفه کنند. ما باید فکر این روز را بکنیم. باید از این طریق اثر گذار باشیم. در عین حال باید از لابی‌های مناسب در سطح بین‌الملل استفاده کنیم تا بتوانیم به دو هدف برسیم. اول رفع نگرانی از کشورهای دوست و همسایگان و دوم اینکه بتوانند بر کشورهای غربی اثرگذار باشند. اگر ما این شیوه‌ها را به کار ببندیم و در داخل کشور نیز همدلی به وجود بیاوریم، می‌توانیم به هدف نایل شویم.

■ این همدلی و انسجام ملی چگونه به وجود می‌آید؟ آقای هاشمی در مجلس خبرگان گفتند که وقتی به مدیری که در ۳۰-۲۰ سال گذشته در کشور کار کرده، تهمت بزنند، آبرویش را جلوی خانواده‌اش ببرند و نهایتاً برایش پرونده درست کنند، وحدت و انسجام ملی شکل نمی‌گیرد. شما فکر می‌کنید چگونه باید این انسجام شکل بگیرد؟

منم نمی‌پسندم که چنین رفتاری صورت بگیرد. باید یک پروتکل داشته باشیم تا مدیران کشور اینگونه پرت نشوند. اتفاقاً به بعضی از این دوستان نیز گفتم که این گونه درباره وزیران و مدیران سابق سخن نگویند. گفتم قبل از اینکه به فلان وزیر و شخص نگاه کنید که دارای چه دیدگاهی است، به خانواده آنها نگاه کنید. به فرزندانش نگاه کنید. ببینید وقتی شما مدیری را بر کنار می‌کنید، یا برخی به او انگ می‌زنند، خانواده‌اش چه تلقی از نظام خواهند داشت. نباید با مدیری که شب و روز وقت و بی‌وقت، یک سال، دو سال، ۱۰ سال متعلق به این نظام بوده هر چه نظام خواسته به عنوان وظیفه و تکلیف عمل کرده است، چنین کرد. می‌دانید، وقتی چنین می‌کنند و مدیری را یک‌مرتبه کنار می‌گذارند، تلقی خانواده از نظام چیست؟ می‌گویند نظام بی‌سیستم است. نظام بی‌وفا است. کسی را که سال‌ها برای مملکت کوشیده یک‌مرتبه به گونه‌های مختلف خانه‌نشین می‌کند. به همین خاطر نیز می‌گویم که باید آنها را به کار بگیریم. ممکن است بنده در مدیریتم تخلف مالی هم داشته باشم. تخلف با اختلاس فرق دارد. زمانی که من در مجلس بودم به مدیر دیوان محاسبات گفتم بین تخلف و اختلاس فرق است باید این را برای مردم توضیح داد. یک وقتی من به آبدارچی خودم می‌گویم من قند نمی‌خورم. خرما مصرف می‌کنم. برو خرما بخر. او می‌رود. خرما پیدا نمی‌کند. احساس می‌کند چون من قند نمی‌خورم، پس توت خشک برایم می‌خرد. او تخلف کرده. چون من گفتم خرما بخر اما دلسوزانه رفته توت خشک خریده، چون دیده من قند نمی‌خورم، این کار را کرده است. نه دزدی کرده و نه سوءنیت داشته. دلسوزانه تخلف کرده است. حالا ممکن است مدیری نیز بنا بوده بودجه خودش را در یک موردی خرج کند، اما در مورد دیگری برای نظام سرمایه‌گذاری کرده است. تخلف کرده اما دلسوزانه. به همین خاطر تاکید دارم که تا زمانی که مطلبی، اتهامی در دادگاه ثابت نشده، نام کسی را نبریم، در روزنامه‌ها اعلام نکنیم. از تریبون‌ها بیان نکنیم. با آبروی مردم بازی نکنیم. باید به این نکات اخلاقی توجه کنیم. به همین خاطر نیز می‌گویم، از تمام مدیران فارغ از گرایش و جناحی که دارند، استفاده بکنیم و بر نام آنها خط نکشیم.

■ به عنوان آخرین سئوال می‌پرسم با وضعیت جدید که برای پرونده هسته‌ای به وجود آمده، عده‌ای معتقد به سیاست‌های انقباضی در داخل کشور هستند و فضای بسته را برای یکصدایی می‌پسندند. برخی می‌گویند لازم است فضای سیاسی را بازتر کنیم، نشانه‌هایی نیز از همگرایی و وحدت ملی بروز دهیم و مثلاً برخی زندانیان را آزاد کنیم تا این انسجام ملی و وحدت شکل علنی‌تر به خود بگیرد. جنابعالی قائل به کدام دیدگاه هستید؟

اینکه ما صداها را خاموش کنیم و جلوی صداهای دیگر را بگیریم که یکصدایی در داخل کشور به وجود نمی‌آید. این صدا خفه کردن دیگران است. وحدت ملی و انسجام هم شکل نمی‌گیرد و هیچ عاقلی نباید این را توصیه کند و نه به آن عمل کند. این کار که همه صداها خاموش بشود برای یکصدایی دیگر یکصدایی نیست. معنایش این است که صداها را خاموش کردم تا صدای من فقط باشد. این روش غلط است. باید به گروه‌ها اجازه بدهیم بحث و حرف‌ها و انتقادات خودشان را داشته باشند اما این فرهنگ نیز باید وجود داشته باشد که شرایط کشور شرایط خاصی است. سر موضوعات بی‌ربط به جان هم نیفتند. همدیگر را تضعیف نکنند. به بهانه آزادی نباید همدیگر را کوبید. می‌دانید، گروه‌های معتقد به نظام مشترکات بسیار دارند. شاید در ۹۵ درصد مسائل مشترک هستیم. اما متاسفانه ۹۵ درصد مشترکات را رها می‌کنیم، به ۵ درصد مفترقات می‌چسبیم. بنده توصیه می‌کنم، این ۵ درصد و دعوای ارثیه را کنار بگذاریم. زیرا کسی آمده است که می‌خواهد کل ارث را ببرد. فعلاً دعوای ارثیه را کنار بگذاریم تا وحدت به وجود بیاید، در منافع ملی یکپارچه شویم، بعد از گردنه که عبور کردیم، بنشینیم و سر سهم خودمان صحبت کنیم.

بخش پایانی

نگاه روشنفکر

تحلیل احسان شریعتی از انتخابات ۸۴

مردم اصلاحاتی رادیکال‌تر می‌خواهند

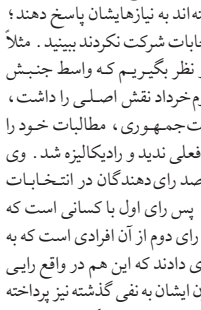

آفتاب: «احسان شریعتی» معتقد است نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران به ظاهر ابطال‌کننده نتایج انتخابات دوم خرداد است چون اصلاح‌طلبان شکست خورده‌اند و از صحنه حاکمیت حذف شدند. وی معتقد است: در خارج کشور تحلیل‌ها چنین بود که انتخابات ریاست‌جمهوری یک سناریو است و قرار بر این است که افرادی همچون احمدی‌نژاد و معین بیایند و فضا را گرم کنند تا هاشمی‌رفسنجانی پیروز انتخابات شود. اما اتفاق دیگری افتاد. درحالی که نه سناریویی در کار بود و نه تحلیل آنها درست بود. وی افزود: «اصلاح‌طلبان آن‌طور که من از طریق اخبار پیگیری می‌کردم تحت گفتمان نولیبرال واقع شده‌اند و فقط در حوزه آزادی‌ها و حقوق بشر متمرکز و معطوف شده‌اند درحالی که یک بعد عظیم‌تری نیز وجود دارد و آن دموکراسی اجتماعی و عدالت اجتماعی است که از یادها رفته بود و باید مورد توجه قرار می‌گرفت.» عضو کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی با انتقاد از اصلاح‌طلبان برای نادیده انگاشتن عدالت گفت: «دکتر شریعتی همیشه آزادی، برابری و عرفان را در کنار هم طرح می‌کرد و معتقد بود آزادی منهای برابری، آزادی نیست چون زمانی که عده‌ای سواره‌اند و عده‌ای پیاده نمی‌توان مسابقه عادلانه‌ای را برپا کرد. همین مسئله در شرایط امروز باعث شده وقتی محافظه‌کاران بحث عدالت را طرح کردند مردم از آن استقبال کنند.» احسان شریعتی با بیان اینکه در مجموعه حاکمیت در دو دهه گذشته هم محافظه‌کاران و هم احزاب مدرن‌تری همچون کارگزاران با هم مشترکاً سیستم فعلی را برپا کرده‌اند این سئوال را طرح کرد که چطور بی‌توجهی روشنفکران باعث شد حالا که نیروهای محافظه‌کار مدعی عدالت می‌شوند نیروهای اصلاح‌طلب خلع سلاح شوند. وی در تحلیل انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: مردم در این انتخابات در واقع خواستار حرکت رادیکال‌تر اصلاح‌طلبی شدند چون معتقدند اصلاح‌طلبان نتوانسته‌اند به نیازهایشان پاسخ دهند؛ در بخشی از جامعه که در انتخابات شرکت نکردند ببینید. مثلاً اگر جنبش دانشجویی را در نظر بگیریم که واسط جنبش اصلاحی و مردم بود و در دوم‌خرداد نقش اصلی را داشت، قبل از جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، مطالبات خود را عملاً در برنامه اصلاح‌طلبان فعلی ندید و رادیکالیزه شد. وی با ابراز این عقیده که ۴۵ درصد رای‌دهندگان در انتخابات شرکت نکردند اظهار داشت: پس رای اول با کسانی است که در انتخابات شرکت نکردند و رای دوم از آن افرادی است که به رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد رای دادند که این هم در واقع رایی اعتراضی محسوب می‌شد چون ایشان به نفی گذشته نیز پرداخته بود. البته نمی‌توان از این انتخابات نتیجه گرفت که مردم اصلاحات را نمی‌خواستند. وی خاطرنشان کرد: من خودم معتقدم اصلاح‌طلبی باید عمیق‌تر از آنچه تاکنون بوده، باشد؛ عمیق به این معنا که ما فقط از راه اصلاحی است که می‌توانیم به تغییرات در جامعه برسیم نه از راه‌های گسست و یا اقدامات قهرآمیز. وی نبود ساختارهای حزبی در ایران را از مشکلات اساسی اصلاح‌طلبان برشمرد و گفت: از ابتدا که خاتمی کار خود را آغاز کرد گفت نماینده یک حزب نیست و این اشتباهی بود که در زمان دکتر معین تکرار نشد ولی به نظر می‌رسد این بار مشکل آن بود که حزب مشارکت نظر اقشار اجتماعی را منعکس نکرد. احسان شریعتی در عین آنکه نقد اصلاح‌طلبان را انجام می‌داد بارها در حین گفت‌وگو تاکید کرد: من به عنوان کسی که در خارج کشور بوده‌ام نمی‌توانم منصفانه به نقد آنچه در ایران گذشته، بپردازم. وی تاکید داشت: من چون نگاهی به خارج از کشور ندارم که بیایند مشکلات ما را حل کنند و از سویی به راهبردهای خشونت‌آمیز و براندازانه اعتقادی ندارم به اصلاحات ریشه‌ای و تخصصی معتقدم بنابراین راه‌حل را از درون می‌جویم لذا می‌گویم باید یک کار فرهنگی درازمدت بکنیم.

وی ارتباط با توده مردم را در این مسیر بسیار لازم خواند و گفت: دکتر شریعتی به عنوان یک روشنفکر مذهبی از این لحاظ موفق بود که با اعتقادات عمیق دینی مردم ارتباط داشت و طبعاً تاثیرش هم بر مردم بیشتر بوده است.

شریعتی در انتقاد از گذشته افزود: یکی از ویژگی‌های کار در هشت سال گذشته این بود که بعضی اصلاح‌طلبان روی نقاط مذهبی و تحریک‌آمیز جامعه دست می‌گذاشتند و این باعث می‌شد در دراز مدت در جامعه منزوی شوند. وی با اشاره به مقاله یکی از روزنامه‌ها که در آستانه انتخابات مرحله دوم، وضعیت ایران را با فرانسه مقایسه کرده بود گفت: «در آن مقاله نوشته شده بود که همه در دور دوم انتخابات فرانسه دور ژاک شیراک جمع شدند و در مقابل ژان ماری لوپن ایستادند و به راست افراطی رای ندادند و توصیه کرده بود که همه در ایران هم برای روی کار نیامدن احمدی‌نژاد به هاشمی رای دهند در حالی که غافل از آن بود که جامعه ایران، قابل مقایسه با فرانس